

جامی اداره کیهانی

مدیر = علامه کیهانی

مکاتبات و مکاتیب

بصورت میل باشد

فومن - جنگل

پناه چهارم طبع و توزیع خواهد

کتاب نمره هفت ششمی

# کلیک

۱۳۳۵

تعمیر بورت لویس از کاتان

خصوصی باو فراداره است

مکاتیب بدون امضا

و عنوان پذیرفته نشود

در جازاک بعد از ترغیر در وقت

قیمت اشراک

بکمال - (۵۰ دینار) -

تاریخ جمعه دوم محرم الحرام ۱۳۳۶

## این روزنامه فقط گامی است در حقوق ایرانیان و نور افکار اسلامیان است

### غیر ممکن ممکن نیست

ناهم چون کبر میگویی اگر زینت (گفتند) ناقص نیست هر آنکه گفت محال را میگوید من نیستی با خون سردی و ریاضت و فسر زدن ارباب سنجی غلبان نموده که با تصادف اندک مشکل اعصاب فکریه و حالت روحیه آنها تشنج و پتر فانی گشته در قابل تجلی عاده سپر انداخته و بجز تصادم با حال انکار از مکره نه گمانی خارج معقیم خلوت خانه و مختلف کاش نگریه و این نکته جبرین عذر من آسانی ایشان گشته که موافق از حد پرون و موافقت از دیره مکان خارج است.

بنی نوع انسان که نادره خلقت و دارای مزیای و خصوصیات است که بدینشن آن اشرف کلمه مخلوقات صانع است چگونه باید خود را متخصص باین خصوصیات و متصف باین اوصاف معرفی کرده و چه نخواهد بابت نماید که عاقل شرود اصلینه خلقت است.

بهیچیکه با تفکر در امور است با بیانات غم در مشکلات با تحمل در مشقات با بجد با مبارزه در کارزار حیات، دلیل فعالیت و توانائی یک مفر فعال توانا تحمل

صعب ترین مشاغل و انجام آن است اثبات فضل یک فاضل بجل مفضلات مساخی است. تصفیه امورات عادی و انجام وظایف معموله در برای اشخاص تثبیت خواهد کرد اعتبار یک عالم با یکی یک صاحب منصب با سرباز یک مرد عادی با یک شخص خارق العاده چیست واضح است عدم ثابت طاقت در شد به استقامت در هر گونه پیش آمدنی خلاف انتظار.

ایرانیان امر روزی خاصه زمانه از ان فضل با ما بزرگان ملکات ما در عدم فعالیت خود مقابل این حملات چه باز آورده و چه دلیل اقامه خواهند کرد؟

باز هم همان دلیل بی اساس که تراکم مواضع سه وصول بمقصود است جواب این عذرهای بدتر از کلاه معین است فخر زینین و طیاره با برانوردی که با فتهای جبارت در جولاقیایی برانورد کرده همیشه نقطه نظرش اینست که بر سمت ایشان برای این قضای بی اشیا کف کند چاشبه ملکات جنس بشر است؟

نهانند با تحت البحری قرقیاوس بارابا یک شاد  
 حیرت آوری سیر کرده که تصور حوگاتان از دایره  
 فهم اشخاص سطحی خارج است جنس بشوند .  
 صنعت گران با هر امر دومی فخرین ادوات  
 حربیه نقلیه نه کاران فروتنی مبارزه بین المللی  
 دیپلمات های بزرگ سرداران سرگرم و نماند ان  
 عالم اردو های نظامی که در مقابل تمام حوادث مشا  
 دیوار آهنین مقاومت میکنند جنس بشوند .  
 صرف نظر از ذکر تاریخ مشیح گذشته گان مشیح  
 کارای محیر العقول آمان رجوع بردان اردو های  
 میکنیم که در مقابل جریان حوادث سسکین ماسکه  
 پابرجا باشد همان جنس بشوند .  
 تمام در را و سیاستون عصر حاضر که هر یک محور  
 سیاست دنیا باشد و برای اداره کردن کلبه ملک  
 عالم قادر جنس بشوند .  
 علم است علم و جلیلی یک قوم ضعیف قوامی  
 در حینه با قوت آن برای ارتقاء و تکامل با سرعت  
 اجزای خیالات زمام داران امور و نهالت بزرگان  
 دشمن و غلبت نامی دارد اما شخص لایق در برابر این  
 همه وسوق دادن یک تنی بشا هراه ترقی و نقلی  
 ملاحظه دانانی و بانادانی ملت را نخواهد کرد بلکه ملت  
 جابلی را اداره کرده بحکم و تربیت سوق مسدود  
 نام بسیار و اولیاء و عقلا و بزرگان دنیا و تقشیر  
 جمیع قوانین و هر کسیکه در عالم وجودش نشا اراتی  
 بوده و قتی تاریخ حالات آن رجوع میشود می پسیم  
 که چه از انواعی طالع شدند که بجای انقوم از زبور  
 جانش و زحمت حق بوده آن نبی آن ولی با  
 حکیم و مفسن اثبات غم ریافت فوق التصور

و مبارزه با پرشنتی قوت جابلی و وحی خود را با علی و با  
 شرافت و تربیت رسانند .  
 بیچ یک از مردان خارق العاده که در مقام هدایت  
 و با تربیت خلق برآمدند ملاحظه جلی و جهالت قوت با  
 فتنان و سایل ترقی را ننموده با اداره های آهنین سنه  
 های موانع را در هم شکستند قوت و در تربیت اداره  
 کرده و همه وسایل ارتقاء آنها را نیت نموده موانع و  
 مشکلات را کلمات بیپوده تصور کرده از هیچ مخدود  
 اندیشه ننموده اگر زمام داران امور بر ملتی با بنظر علم  
 و تربیت قوت خود برای ترقیب امور آن ملکت و سیاه  
 بانی مانند الی لایه در رشته های دور و تسلسل عقیده  
 خواهند بود .  
 تربیت یک قومی بسته بفعالیت رجال کار آگاه  
 انقوم است که تا اشخاص بزرگ با عزم ثابت خود  
 اقدام در توسعه انوار علم و معرفت نمایند انقوم بجای  
 ترقی و سعادت قدم نخواهند گذاشت .  
 صفحات تاریخ بهترین گواه مقالات است با این دلیل  
 مثبت آیار رجال و بزرگان ملکت ما با زمان کلمه موانع  
 و مخدورات را وسیله مسامحه و رخاوت خود قرار  
 خواهند داد .  
 آیا چه عذری در پیشگاه خدا و دیانت و وجدان  
 خواهند تراشید یا در مقابل کسانی که مخاطرات  
 عظیمه را در اجزای خیالات عالیله خود بیچ نشمرده چگونه  
 اظهار حیات خواهند نمود چه سان با رجال سیاسی  
 دول دعوی همسری میکنند .  
 ما از شواهد تاریخی و تدابیر حیرت آور سیاستون  
 محاکم سیره یا نهضت های وطن پرستانه احزاب پار  
 نقاط دیگر ایران چون از جزئیات آن بی اطلاقیم برا

انند و ابواب بهانه رجال با صرف نظر کرده فقط قیام  
بهیت اتحاد اسلام کیلان و زحمات این عده را که  
بجنگلی معرفی شده اند از آنجائیکه جزئیات آنرا بطولیم  
بر آن مقاله خود قرار میدهم.

قیام جنگلی ها

دولت متبذره روس با افاد و تحریک دولت  
مرد انگلیس متعاقب الیها توم ۱۳۲۹ (۱۹۱۱) کیلان  
نامند در ایجان بعضی نقاط دیگر اشغال نظامی کرده و  
پستان کیلان بمقداری معقول و بدرا وخته شده بعضی  
گرفار قید و زنجیر و جمعی ترک بار و دیار گفته با حال انفور  
هر یک بمستی اداره شدند.

فائین و وطن فروشان غارت گران با کمال  
و بهستی قشون سرجم روسیه ایلی کیلان را نامند بسیار  
ولایت ایران بقدری در فساد مصائب گوناگون و صدمات  
فوق تصور خود گم داشته که بارادگران و قایم خونین و  
آن فضیاح شرم آور را که عالم بشرت از این گونه قساوت  
و بیرحمی بفرست طاقت نیست بلکه تحریر آن از قدرت ظلم  
ما خارج است کرد آنچه کردند آثار جنایت آنها که های  
خیانت آنها غارگری و تعدیات بحد و حصر آنها را  
زودوده و محو نخواهد شد.

عناصر صالح فدالاران و می قیمت وطن ستمگر  
دارای عشق و علاقه مفراط با این آب خاک بودند متوجه  
و متروزی مصداق آن روزی مطیع صرف اراده اجنبی  
بزرگان و رجال مملکت با برای حفظ مقام صدرک داس  
خود بهت دشمن بی شرفان ملت سربک شعلوئی  
خضم در آن هنگام کعبه از اشخاصیکه جان و مال و بهستی را  
در راه حفظ مملکت بیخ نشورده با غم نابت اغار قدکاری  
نمودند آبی جنگامیکه ابرای میره استبداد و حق

ایران بجهدی در حجاب ظلمت و مظالم خود محسوس نموده بود  
که مشاهده یک اشعه و یک بارقه را از جمله منفغات  
میدانستند.

هنگامیکه کابوس وحشت ایران را بجهدی متوسل شده بود  
که در فغان در تنجیده اهدی خنور نمیکرد و هنگامیکه ترور افشا  
انگلیس با بریت و قساوت قشون متبذره روسیه متهاجر  
تا سر ابراز اودی خوا موشان نموده.

هنگامیکه ساکنین ایران از خورد و بزرگ و مجال  
تجاوات حق سلطانه و زحمت های بی رحمانه اجانب و تعدیات  
غارتگران داخلی و اراسی زوره ایمنت جانی و مالی بودند  
و از روی کشیدن یک نفس راحت می کشیدند  
هنگامیکه استقلال مملکت ناممونی آویخته شده و زرا و حکام  
و مباشرین و روسای هر اداره از ادارات مملکتی از آنخاص  
تا لایق و من فردش مسل و حکم مسایگان منصوب می شدند  
هنگامیکه جنایات شرافتی و معا بد مذمبی و بیچارگی  
مالکد کوب ستم ستوران و تراق های ظالم و لجنه و ستمشان  
و بیانت حقه محمدیه گردیده بود.

هنگامیکه اهدی را در ایران قدرت و توانائی جزئی  
بر خلاف اراده و خواست سیکانگان و مزدوران آنها نبود.  
هنگامیکه از نمایندگان و نظامیان اجانب گرفته  
تا مادنی شیر فیکه بعنوان استخدام یا تبعیت به سیکان  
قبضت شده در جان و مال عموم ایرانها حاکم مطلق  
و فعال با یرید بودند.

هنگامیکه کیلانیان از جمیع فوائد استقلال محروم  
بوده مالی پریشان رفوگار این سامان در قید نیران  
بیرحمی با مقید بوده و جنگال مهیا به شدتی در سیکارین مملکت  
مرد فرقه که نزدیک بود از هم متلاشی شود.  
در آن هنگام آرمی در آن هنگام که بره مانع موجود بود

شرایط مفضو و تحویل اسلحه و تینه و سایر اوضاع یک جمع  
پریشان و ترکشان در یک نقطه و فراهم کردن  
لوازم تقریباً در حد معمول بود.

همان غده از نبستی گذشته همان غده از جان و مال و  
و فرزند در راه حفاظت دین و مملکت صرف نظر نموده  
همان جا که ایک بعد بیان جنگل موسوم به سبب اتحاد اسلام  
معرفی می شود با غم ثابت با تعهد در حقایق اوضاع با تصور همه  
مسکلات و موانع بدون پروی از مصائب و مشقات برای  
حفظ وطن و دفع استیلای دشمن رفع شرخاگر کن  
سجا و ز قیام کردند.

تاریخ شروع انقلاب

- بقیه دارد -

نمود که تمام این دسته ها از طهران با پول مبارک  
های آلمان و عثمانی تشکیل شوند و مدت مدیدی است  
در عقب سر اردوی مابا تحب از زو تهید پذیرا  
راحت میکنند - انتی -

جنگل

از جملات مخالف حقیقت این مقاله منعقد شده  
به آکره در این موضوع را شماره آیه موکول می نامیم

مکتوب از لایهجان

آقای مدیر محترم جریده فزیده جنگل اوضاع  
امضاک در وقت اینگز لایهجان نه بخدی است  
که باین مختصر نگارش خاطر آن مدیر محترم متخیر کرد  
نقطه بدیج فی الجمله از آن محض اطلاع خاطر آزاد کرد  
حقیقی قناعت می نامیم.

در لایهجان پس از برهم خوردن رژیم استبداد  
و آراو شدن دولت معتبه روسیه دسته عالی  
چند برای اجراء پیشرفت مقاصد شخصی خود را پیش  
نابش در آورده سپس هر کدام بلا حیل و تکیه  
موفقیت با انجام مقاصد خود حاصل نمایند چون  
دیدند مسلک و موکراسی مسلک مجوسی است  
دسته پس از دسته دیگری خود را موکرات نام نهاد  
و اساس موکراسی را که یکی از آن بی اطلاع اند  
بطور برج و برج تکیل و وسیله آن علم فغانی و  
دوئت زار او داشته و هر دقیقه تحریک بهر مکر میگویند  
نه اینکه تصور شود مقصود از این لایه تقید از  
حزب مقدس و موکراسی است بلکه مقصود آگاهی

کلیه محترم و موکرات است  
تمام فوق و احزاب را که مقصودشان عدلیت  
واقعی با بن آب خاک است خصوصاً مسلک موکرا

از حریر روسیه

ترجمه از جریده شریفه احمق سوزنده ۵۷۲ نقل از  
روزنامه روسکویه اسلو در حومه ایران ترک از بهوم  
و بخاور خودشان در گذشته توانستند نفع شوند  
اینک در ایران با اسم اتحاد ترقی دکنیه رون ترک  
فرقه تشکیل میکنند و نظامنامه این فرقه هم گاه  
اتحاد اسلام را می نمایند و در ایران باین فکر آنها  
تاکنون موفقیت حاصل شده بود حال چنانچه  
معلوم میشود در گیلان سمت جنگل عقب اردوی  
ماکو یک خان مشهور و برادران جنگلیش که شهرت  
بد کرده اند حرکت نمایند منوب با توره هستند  
و وعده خیر خواهانه ای که با داده بودند خیال دارند  
و فاکتند فطاکو یک خان با خانهای اردیل  
و گیلان و مازندران بطور سری و مخفی عهد اتحاد  
و اتفاق می بندد و این مطلب را نیز باید علاوه

را صدس میاریم .

اوضاع شاراتانی و غرض رانی که در لایحه  
 روی کار آورده اند لفظ و موکرات و یا موخواه وطن  
 که در چند ماه قبل اگر یک نفر نسبت داده فوری این  
 بزمی سخت و مثل کسیکه العیاذ بالله تحت کفری  
 باورده باشند بقسمهای مغلفه برای رفع نیت از خود  
 میگویند رسیده نموده چگونه شد که حالیه هر ران  
 ندومی خود را اول حامی وطن و موکرات واقعی معرفی  
 مینماید مگر چه پیش آمدی نموده که مال مردم خوران  
 خون آنان اول موکرات شده اند  
 و موکرات یعنی خیلی ساده (حکومت ملی باجایی  
 نیست) از آقایانیکه خود را منسوب به موکراسی  
 لایحه آن نموده اند مضاعف سوال مینمایم چه حمایتی در باره  
 ضحفا در بنجران معمول میدارند  
 آیا گرفتن محصول از فرار جری بیت و پنج دایی  
 فونی برنج را حمایت نام می نهند ؟  
 آیا در موقع ورود و یک مکان از رعایای بیچاره بود  
 سیورسات گرفتن حمایت است ؟  
 آیا گرفتن بیت پاسی تومان از بر عتبات آن  
 بر پای دودن و خر خودش را بشوهر حایت میتوان گفت ؟  
 آیا ورود در باب پسران اویده و اخذ تقدیمی  
 مجبوری را میتوان حمایت نام نهاد ؟  
 و از همین قبیل چیزهای دیگر که در اصول موکرا  
 شرح آن مفصلاً مندرج است .  
 اساس تشکیل هر حزب برای طلب اکثریت  
 پارلمانی و نیت دولت است نه اینکه مثل بعضی از  
 آقایان لایحه ای که از اوادیک حزب بشمار میرود  
 خود را حکمران مطلق تصور نموده و بخود حق بدخله در

تمامت کار ما داده و خانه خود را بلجا و ساکاه جمع  
 مال مردم خور و محکومین تشرار داده و جدا کسی در  
 ابطال حقوق مردم نماید بنام خدمت بوطن شب و  
 روز چون سرعت برق در خدمت و اختلال بهم  
 میگویند صریحاً خاطر نشان میکنیم میایم که این  
 حرکات نفاق آمیز جز اینکه اسباب بدنامی و رسوا  
 بین خاص و عام خواهد بود و بگری نخواهد داشت  
 اسی استحا صیکه پس از توب بستن کعبه آمال از وی  
 خوانان یعنی دارالشورای کبری اظهار مینمودید که  
 خیلی با بلیم چون حجاج احرام بسته و پیاده تا طهران  
 شافه و نه آن تو نهاییکه بان مکان مقدس  
 خالی شده زیارت نمانیم و حالیه خود را موکرات  
 اسم گذاشته اند از تاریخچه اعمال بجگی خوبی میگویم  
 کار نفاق را بجانی نکشند و نگذارید که اسامی فرد  
 فرد را با ذکر تاریخچه اعمالشان بر روی دایره رنج و  
 عموم را متخضر سازیم .  
 تقریباً سه ماه و نیم است انجمن معارف که به قول خود  
 از اشخاص فعال هستند تشکیل شده انجمن نیز بزرگوار  
 چه خدمتی بعالم معارف نموده جز اینکه اگر بدیده  
 صقیقت نظر شود و بعلت نفاق و اعمال اغراض  
 شخصی در آتیه غلبی نزدیک با اسس هر دو مدرسه  
 لایحه آن را بر چیده و منحل خواهیم دید .  
 ای آقایان باکی نفاق تا چند وقت را می  
 برنجین که خود را با این لباس طس کرده و باطن  
 باجرامی خیالات خود میروازید اعمال غرض پس است  
 بگذارید یک چندی هم امالی بیچاره این سامان  
 خیال خود را مت با بشند و کمتر آنان را بکنند  
 محکم خودتان که سر تا سر یافته از غرض است با این سمت و

ست بکشید و از این گذشته این پایه درالیده و این دل کرد که مقصودشان جز پر کردن شکم خیزد میت چه میکنند و چه میخواهند .

افسوس که عوام فریبان این بدبختها را هم بود و وعید مثل خرابی برای اجرای خیالات شخصی بگذرند و امید آن بیچاره را هم گول سخنان لطیفترین آنها را خورده و مانند طالب مجهول مطلق این طرف و آن طرف میدوند اگر مقصود بکلی مسلک دموکراسی است پس ضدیت بایکدیگر چیست و اذیت مردم را بچه میتوان حمل کرد

بالجمله از عموم آقایان استرحا ما تقاضا می نمایم که قبل از اینکه پرده از روی کار برداشته شود دست اتفاق و اتحاد و یگانگی واقعی بهم داده و سابقه را بکنار گذارده و قدری هم برای اصلاح امور است ولایتی خود بدون اعمال غرض کوشش نمایند و با بتوان قبول نمود که مقصود بکلی خدمت مابین آب و خاک است نه اعمال اغراض شخصی .

یکنفر از اینخواه بظرف

جنگل

مانند کارکنان کمیته محترم دموکرات گیلان شرح مکتوب فوق که از لاریجان رسیده و بی غرضی نگارنده آن را مستحضریم جلب مینمایم البته کمیته دموکراسی اعضای عامل آن فرقه محترم که اصلا و سابق خدمت گران بجای آنها سر او ارتقا بدست به بی ترمیمی های اطراف متوجه شده راضی نخواهند شد بعضی اشخاص بدعمل برای انفصال مابین فرقه با بنامی تهیه و فراسم نمایند .

از مکاران قیام وارد

مدیر محترم جریده فسریده جنگل درمت نمایند از خواستند نام آزادی مطبوعات جمله ذیل را محض آگاهی هموطنان عزیز در محترم جریده درج فرمایید در روزنامه (گامی) مطبوعه با دو کوبه شماره (۲۰۱) در تحت عنوان (ترقیه توقف ماکولات در ایران) کتبه ماکولات ایالتی با دو کوبه به کمیته ماکولات از تری چنین دستور العمل منویسه .

اولا کما یک امتعه آنها توقیف می شود از قیمت خرید مال از بهر باز زده و درصد الی پنجاه درصد کسر داده میشود و کسر بر پنجاه درصد که نصف قیمت است برای اشخاص است که همیشه مال را نگاه داشته و منفردند که زیاد گران شود و بعد بفرج شوند .

ثانیا خود کمیته ماکولات بعد از توقیف یک قسمتی موافق عاقله برای امتعه توقیف شده امتین مینمایند که از همان قرار فروخته شود .

ثالثا نسخه برانکل نوشته خواهد شد که در بر نسخه قیمت معینه ماکولات ثبت می شود و ضمنا کمیته ماکولات ایالتی با دو کوبه بکمیته ماکولات از تری دستور العمل میدهد در اقدامات خود میان همیشه تراکت را منظور نظر گرفته ظهور رفتار نمایند که سبب گفتگوی و پلماسی ایران حاصل شود مطالب مندرجه در جریده (گامی) که مفاد آنرا شرح دادیم سهم است مفهوم نمیشود که این توقیف امتعه و ماکولات تا ما راجع با تابع روس است یا راجع با تابع ایران هم است اگر در واقع راجع با تابع روس است البته مصادر امور و کارکنان دولت همه روس در امور خود مختارند اما اگر راجع با متعه و ماکولات تابع ایران هم باشد در این صورت با آن اعلانات

دولت جدید روس می بر عدم ملاحظه در مورد دولت  
 ظل ضعیف و چهار صفحات دارد و البته بت و سحرگرا  
 در سبب رضی باین امر نبوده و نخواهند بود.  
 باین وصف و حفظ وزارت جلیل امور خارجه دولت  
 علیه ایران و کارگذاری گیلان این است تا اینکه  
 قرار داد مذکور بوضع اجرا گذارده نده است این  
 خصوص با بصادر امور دولت بینه روس معتاد و ظل  
 در مذاکرات شده باز در دست ترقی برای این کار  
 به بند که سو تفاهم حاصل شده بعضی از تصدیقات  
 امور دولت بینه روس بواسطه عدم اطلاع دولت  
 در امتعه و تا کولات اتباع ایران نه نموده که مخالف  
 با اصول قوانین بین المللی و باعث برگردی بین  
 دو دولت آزاد و بجزار خواهد بود.  
 - یکفر ایرانی -

دولتی در بی ترقی اداره حکومتی نوشته بود بینه هم این  
 محضر را نوشتم.  
 مقصودم از بی ترقی در راه ایالی گری حکومت بود  
 بهر حال خاطر آن حضرت را مطمئن نماید که تمام از آنجا  
 خواندن فدائی جنگی است.  
 امضا محفوظ.

صدوقیست

آقای بی عرض حقیقی چون مکتوب شما بجلاده  
 ایگه راجع بنافع شخصی است بی امضا هم بود باید  
 از درجش معذرت بخواهم.

تقریظ

گرامی نامه های خورشید، راه نکات خوب  
 ایران، بیستون را که باره گی زینت بخش عالم  
 مطبوعات شده از هم قلب تبریک میگویم  
 موافقات بدید و کارگزاران آنها را از خداوند  
 منت داریم.

اعلان

بمهموم انالی اعلام میدرد که از اول محرم ۱۳۳۰  
 در کسما برای قبول مراسلات و امانات دایره  
 ترتیب ذیل ذاب باب میباشد.  
 حرکت اول  
 از رشت دو شنبه دو ساعت بظهر  
 از کسما چهارشنبه دو ساعت بظهر  
 حرکت دوم  
 از رشت پنجشنبه دو ساعت بظهر  
 از کسما شنبه دو ساعت بظهر  
 ترتیب مساعد الیوزر  
 آقای مساعد الیوزر که از اشخاص و طیفه شناس

بدر محترم روزنامه جنگل چند روز قبل خدمت یکی از  
 رؤسایان بودم شخصی دارد نوشته نزهت و هم جریده  
 جنگل را جلوه گزیده مشول خواندن شدیم رسدیم  
 شرحی که راجع بود بجریده ارشاد و مقاله که نظم بسیار  
 قلی از قردین نوشته بودند.  
 خیلی اسباب محالته بنده شد زیرا که نویسنده  
 آن مقاله بنده بودم مطلقا و ابدا مقصودم آقایان  
 جنگل نبود هر کس بجهت حضرت بشود بنده او را بر او  
 ایرانی سهل است نطقه پدرش هم نمیدانم و خود بنده  
 یکی از زندانیان آقای بزرگوار یک خان بستم و نام  
 مرک معتقد ایشانم شهابهوی که در آن کانه شده  
 اسم گیلانی را سهوا در وصف مناسب تو چشم  
 چون مکتوبی از رشت رسیده بود و از خلال مودت

وجه نوشتن این تجوید است بیت هشتم شرفی حجه  
 اتفاق آقای آقا سید جواد رشتی که از اعضا صیج العسل  
 با کفایت است خانه است و در دو کسما نموده اداره  
 بستی را تاسیس و مرتب کرده آقا میرزا محی کما سیرا  
 که از جوانان با لیاقت است بر باب منوب قفا  
 مراجعت برشت نمودند تا خدمات گرانهای ایشان  
 و سایر نامورینی را که بدرستی خدمت میکنند تسک  
 گفته بیت محترم دولت را با یادش نیک اینگونه  
 نامورین با صلاحیت متوجه نمایم.

با تاسیس بر بار که بی اسپاز قانونی تاسیس شده  
 سازف کنند .  
 در این خصوص مذاکره با مقامات مربوطه نموده زیاد  
 بر این اسباب معطلی و خسارت الهی نباشند  
 دیگری مسئله دست اندازان با آن مرتب  
 حیرت آور در منزل آقای حاجی میرزا محمد رضای محمد  
 است که شده آرد چاره استعجاب شدیم زیرا آقای  
 حاجی میرزا محمد رضای از بزرگان احوار فداکاری و خدای  
 متع ایشان غیر قابل تقریر و گمان نداریم این  
 شخص بزرگ بر خلاف قانون اقدامی نماید  
 توضیح این مسئله و استرضای خاطر محترم

بشارت انتظار داریم  
 اخطار

آقای آقا میرزا حسین خان کمانی مدیر محترم جدید  
 جنگل که آثار ادبی و حریت پروری ایشان مستقی از  
 از توصیف است برای کسالت مزاج مشاغل  
 ضروریه بعد از نشر شماره نهم گناره نموده مشغول  
 استعلاج و تصفیه امور شدند کارکنان اداره بر حسب  
 وظیفه در غیاب ایشان نمرات روزنامه را مرتباً  
 طبع و نشر نمودند تا اکنون که کسالت مشاغلشان  
 امتداد پیدا نمود لرز و ناعذر خود را از تکفل زحمات  
 اداره روزنامه پیشنها کرده با کمال تأسف  
 پذیرفته شد از شماره چهاردهم جدید جنگل  
 به بریت و سر دبیر سابق آقا میرزا غلامحسین  
 کمانی منتشر خواهد شد .

اعتماد

بنسبت اوقات فراغت اشتغال اعضا و اجراء اداره پتواری  
 روزنامه ناماشان در هم شهر جاری از طبع و نشر معذرت نخواهد

باز هم هشتم تاسیس  
 آقای محترم سید سلطه کارگذار گیلان که از خریدی  
 است مشغول اقدامات جدی در باره اشخاص مثبت  
 بخارج شده تا درجه موفق گردید ولی تسو لگرمی  
 دولت آزاد رسیده با آنچه مواجید اجراء و  
 دموکراسی رسیده در این خصوص مساعدتی ندارد  
 بلکه با وضوح و عبوت ایراد است این عده ....  
 هنوز حاضر نشده که بالتره این اشخاص از این  
 ثبت خلاف قانون نابوس کند .

مظلم هر چه زودتر این تصفیه شده هر کسی  
 بتکلیف خود آگاه شود شرح این قضیه را در شماره  
 بعد بعرض میرسانیم و از آقای کارگذار در این  
 اقدام مهم که با فعالیت نامردوز در تعیب آن است  
 است اطمینان داریم .

فنا ایشان را متوجه باین دو نکته مهم نمایم  
 یکی مسئله حل راه شوشه بر بار که بعد از جزا  
 این اداره راه شوشه اقدام تا سخن نموده این  
 جهت حل متاع و امام و ذهاب متروک مردم  
 مجبور خواهند شد تحمل گرایه گران کرده مال التجاره